

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل  
۰۴ می ۲۰۲۲

## "آی. اس. آی." و مهره های سوخته!

سه شنبه - ۱۳ ثور ۱۴۰۱ - کابل: تا جایی که از لابه لای کتب و بقیه نشراتی که مطالعه نموده ام و یا از طریق رسانه های دیداری و شنیداری از آنها بهره جسته ام، به همین سان زندگی روزمره خودم در شهر کابل؛ جوامع غربی در کل با جوامع شرقی از بسا جهات آنقدر با هم اختلاف دارند که اگر قرار باشد کسی پیدا شود و بخواهد تنها به همین اختلافات و برداشت های متفاوت عطف توجه نماید، می باید حوصله نگارش مثنوی هفت من کاغذ را داشته باشد تا آنچه را می داند و می یابد به رشته تحریر درآورد.

یکی از این تفاوت ها که ظاهراً کمتر به چشم می خورد، محدودیت حیاتی و زمانی تمام اشیاء و پدیده ها در غرب است یعنی در غرب بر مبنای فرهنگ حاکم، همه چیز تاریخ مصرف دارد، به محض گذشتن و سپری شدن تاریخ مصرف، ارزش شیء نیز از بین رفته دیگر کسی از آن استفاده نمی نماید، در حالی که در شرق من جمله کشور ما، حیات هیچ چیزی مقید به زمان خاصی نمی باشد، استمرار و بقاء جامعه شرقی را خلاف "جامعه مصرفی غرب" به یک "جامعه ذخیره ئی" مبدل می سازد.

این طرز دید تنها در مورد اشیاء و پدیده ها مصداق نداشته بلکه انسان ها و به ارتباط آنها نهادها و مجموع فعالیت های آنها را نیز شامل می شود. یعنی در غرب رسم بر آن است که وقتی کسی در سیاست شکست خورد و بر مبنای همان شکست از سیاست کنار رفت و یا بر مبنای کدام عامل دیگری من جمله سیر زمان و تغییر افکار نسل های بعدی از سیاست کنار گذاشته شد، می رود دنبال کار خود و هیچ گاهی مجدداً نقش فعال ایفاء نمی نماید، هرچند ممکن است گاهگاهی از طریق مصاحبه ها نظراتش پرسیده شود.

مگر همین مناسبت در شرق مطلقاً عکس آن است. افراد علی رغم ده ها شکست، بدنامی و افتضاح، هم نمی خواهند کنار بروند و راه را برای جوانان باز نمایند و هم دیگران نمی خواهند آنها کنار گذاشته شوند بلکه بادر نظر داشت نقاط ضعف همچو افراد، باز هم به سراغ آنها می روند و می خواهند یک مهره سوخته و از بین رفته را مجدداً احیاء نمایند. نتیجه همین برخورد است که هم در گذشته شاهد حاکمیت باردوم و چندم شاهان و زمامداران بوده ایم و هم اکنون می بینیم که کسانی علی رغم شکست های افتضاح آمیز و تباہ کن مانند آنچه "غنی احمدزی" بر مردم رواداشت، هنوز هم "از سر کل مردم دست بردار نیستند" و تلاش دارند حال که از درب بیرون انداخته شده اند، از کلکین وارد شوند خانه شوند.

در مطلب روز گذشته یکی از چنین زالو ها یعنی "غنی احمدزی" را معرفی نمودم، امروز در پیوند و به ادامه مطلب دیروز اندکی به "گلبدین" توجه می نمایم.

هرگاه به خبر های نچندان مهم رسانه ها دقت نموده باشید، امروز "امیر خان متقی" سرپرست وزارت خارجه نظام ملاسالار به ملاقات مهره سوخته "آی. اس. آی"، "گلبدین" رفته بود. با شناختی که از "متقی" طالب داریم و همچنین از "گلبدین" اخوانی که ادعای "پیشنمازی تمام اخوانی" را می نماید وجود دارد، این ملاقات علی رغم آن که در روز سوم عید صورت گرفته، مطمئناً به غرض عید مبارکی نبوده است، بلکه پیامها و خواستههای سیاسی خاصی را با خود داشته است.

با در نظر داشت این که "گلبدین" همیشه کوشیده تا خود را به دامن طالب بیندازد و طالب هم همواره تقاضایش را رد نموده است و با در نظر داشت این که یکی از کار های خوب محدود حاکمیت پوشالی "غنی احمدزی"، بیرون کشیدن چلوصاف "گلبدین" از درون غندق روابطش با امپریالیسم امریکا بود، وقتی امروز فردی در مقام سرپرست وزارت خارجه به دیدن "گلبدین" می رود، مطمئناً این رفتن نه خواست شخصی "متقی" که به مانند تمام "ملاها" از "گلبدین" متنفر است، بوده و نه خواست نظام ملاسالار. یقیناً دستور دهنده و واسطه این دیدار "آی. اس. آی" بوده است.

یعنی حالا که طالب و نظام ملاسالار تسلیم خواستههای غرب شده می خواهد با تدویر یک جلسه، حاکمت خودش را مشروعیت و قانونیت ببخشد، به دستور "آی. اس. آی" موظف شده است تا به سراغ "گلبدین" نیز بروند و درب منزل وی را نیز بکوبد و ضمن شامل ساختن این مهره سوخته، از وی نیز استفاده لازم جهت فریب مردم نمایند.

هموطنان گرامی!

از آنجائی که از بسا جهات طالب و گلبدین دو روی یک سکه اند، یا به گفته مردم کابل که در مورد "خلق و پرچم" می گفتند، هر دو "دوگوش یک خر" اند و ماهیتاً هیچ تفاوتی با یک دیگر ندارند، احتمال این که سرانجام طالب به استدعا های "گلبدین" پاسخ مثبت دهد و نامبرده و افرادی از قماش وی را در حاکمیت شریک سازد، منتفی نیست.

برماست بدانیم که وقتی علیه انحصار طلبی طالب مبارزه می کنیم، همراهی طالب با "گلبدین" نه تنها ختم انحصار طلبی نیست، بلکه یافتن یک شریک مانند خودش جنایتکار جهت تحکیم همان انحصار طلبی می باشد. باید هوشیاری مان را حفظ نموده، فریب چنین نیرنگ هائی را نخوریم.

این را بدانیم که گلبدین و طالب به گفته مردم کابل "دوگوش یک خر اند"، از همین رو به همان سان که حق نداشتیم با سازش با یکی از طرفین خلق و پرچم علیه دیگری مبارزه کنیم حق نداریم با سازش علیه گلبدین دست دوستی به طالب و یا عکس آن دراز نمایم. آنها هر دو در یک صف واحد دشمنان مردم افغانستان، ترقی و شکوفائی این کشور اند، تاریخ ثابت خواهد ساخت که تا نیروهای انقلابی و آزادیبخش از روی اجساد هردوی آنها عبور نکند، به آزادی و رفاه اجتماعی نخواهیم رسید.

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**